



کد خبر: ۱۱۲۷۰۴

سه شنبه ۴ مهر ۱۳۹۶ ۹:۴۵

گزارش اندیشکده آمریکایی رند در نوامبر ۲۰۱۶ درباره استقلال کردستان

پیامدهای منطقه‌ای کردستان مستقل عراق

اندیشکده آمریکایی رند در نوامبر ۲۰۱۶ گزارشی تفصیلی با عنوان «پی‌آمدهای منطقه‌ای استقلال کردستان» منتشر کرده و در آن به مباحثی راهبردی درباره سه سناریوی متصور برای استقلال کردستان عراق و واکنش‌های کشورهای ایران و ترکیه به این مسأله پرداخته است.

گزارش اندیشکده رند اکنون که موضوع برگزاری همه‌پرسی و استقلال کردستان در جریان است، حاوی ایده‌هایی برای اندیشه‌ورزی راهبردی در قبال این مسأله است. خلاصه این گزارش که توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک تهیه شده، در ادامه آورده شده است.

سه سناریوی استقلال کردستان

نویسندگان گزارش، سه سناریوی استقلال کردستان را بررسی کرده‌اند.

سناریوی اول: اعلام استقلال یک‌جانبه‌ی از سوی کردها

حکومت اقلیم کردستان خود را ملت مستقل و دارای حاکمیت اعلام می‌کند. پرزیدنت مسعود بارزانی خواهان شناسایی حکومت دیپلماتیک از هم‌پیمانان اصلی در آمریکای شمالی، اروپا و خاورمیانه می‌شود و تعهد می‌کند که برای عضویت در سازمان ملل اقدام کند.

این سناریو در هر لحظه در آینده‌ای می‌تواند رخ دهد. در واقع وضعی مشابه این در تابستان ۲۰۱۴، ممکن به نظر می‌رسید که کردها تهدید کردند و فراندومی درباره‌ی استقلال، اندکی پس از تصرف نواحی وسیعی از نواحی مورد اختلاف راه اندازند. شرایطی که توانست کردها را به اعلام یکجانبه‌ی استقلال وادارند قبلاً وجود داشت و احتمال ندارد از میان برود.

سناریوی دوم: آخرین مرد میدان

یعنی دولت عراق سرنگون می‌شود و اقلیم کردستان دولتی مستقل می‌شود.

هرج و مرج بر بغداد حاکم می‌شود و حکومت مرکزی قادر نیست خدمات اساسی برای شهروندان عراقی در سراسر کشور تأمین کند. ایران نفوذ بیشتری بر سیاستمداران بغداد پیدا می‌کند و کردها به طور روزافزونی منزوی و سرخورده می‌شوند چرا که مناقشات دیرین هم‌چنان وجود دارد و تنش‌های فرقه‌ای روزبروز خصمانه می‌شود. داعش هم‌چنان بخش‌های وسیعی از خاک عراق را در دست دارد. ارتش عراق از پا می‌افتد و شبه‌نظامیان شیعه بخش‌های بزرگی از جنوب عراق و بغداد را در کنترل دارند. صادرات نفت در می‌ماند چرا که بغداد از تقویت تأسیسات انرژی غفلت می‌کند و درآمد سالانه‌ی عراق افت می‌کند. بدون توانایی برای جمع‌آوری و توزیع عواید، بغداد ارسال پرداخت‌های ماهانه به حکومت اقلیم را متوقف می‌کند. حکومت اقلیم متقاعد می‌شود که دیگر چیزی نمانده است که از ماندن در یک دولتِ درمانده به دست آید و بنابراین اعلام استقلال می‌کند.

بغداد به یکی از این دو دلیل وادار می‌شود به مذاکرات جدایی بیبوند: (۱) بغداد استقلال کردها را اجتناب‌ناپذیر می‌داند و تصمیم می‌گیرد خسارات آن را با مذاکره و توافق کاهش دهد، یا (۲) بغداد حساب می‌کند که در درازمدت با تسهیل استقلال کردستان و توسعه‌ی روابط دوجانبه قوی خیلی بیشتر عاید خود می‌کند تا با ضدیت با آن و ایجاد یک دشمن در مرزهای خود.

سناریوی سوم: جدایی تدریجی اربیل و بغداد

حکومت اقلیم کردستان به لحاظ اقتصادی و سیاسی قوی‌تر می‌شود. صنعت نفت کُرد با وجود تهدیدهای بغداد به تلافی در مقابل خریداران نفت کُرد، پررونق است.

اقلیم کردستان به لحاظ مالی خودکفا شده و پیوندهای نزدیکی با آنکارا و در سطح نازل‌تری با تهران دارد. بغداد اهرمی ضد اقلیم کردستان را دیگر در دست ندارد و مذاکرات حول تقسیم عواید، صادرات نفت و وضعیت کرکوک و دیگر نواحی مورد اختلاف که اقلیم در آنجاها پایگاه محکمی دارد، دور می‌زند. اقلیم می‌تواند یا به طور یکجانبه اعلام استقلال کند یا جدایی خود را با حکومت مرکزی عراق مذاکره کند. بغداد به یکی از این دو دلیل وادار می‌شود به مذاکرات جدایی بیبوند: (۱) بغداد استقلال کردها را اجتناب‌ناپذیر می‌داند و تصمیم می‌گیرد خسارات آن را با مذاکره و توافق کاهش دهد، یا (۲) بغداد حساب می‌کند که در درازمدت با تسهیل استقلال کردستان و توسعه‌ی روابط دوجانبه قوی خیلی بیشتر عاید خود

می‌کند تا با ضدیت با آن و ایجاد یک دشمن در مرزهای خود.

این سناریو سال‌ها طول می‌کشد تا شکل بگیرد و در آینده گسترش می‌یابد، در صورتی که سناریوهای دیگر چنین استعدادی ندارند. به لحاظی، زمینه برای چنین نتیجه‌ای قبلاً با توافق ۲۰۱۴ بین حیدر العبادی نخست‌وزیر عراق و مسعود بارزانی درباره‌ی تقسیم عواید و سهم‌گُردها در صادرات نفت عراق فراهم شده است.

بغداد از بروز بی‌اعتمادی در آنکارا و تهران و مخالفت با استقلال‌گُرد در آن پایتخت‌ها سود خواهد برد. اقلیت‌های داخل اقلیم کردستان (مثلاً عرب و ترکمن) در برابر زندگی در دولت جدیدی که وطن‌گُردها شناخته می‌شود و نه دولتی که اتفاقاً دارای اکثریتی از جماعات گُرد است، مقاومت خواهند کرد.

احتمال نمی‌رود پرزیدنت فعلی اقلیم گُرد مسعود بارزانی به ترغیب چنین دولت پان‌گُردی بپردازد. پرزیدنت بارزانی در سال‌های پیش، خود را رهبری پان‌گُردی نشان نداده است و احتمال ندارد اقلیم مستقل کردستان به صورت مرکزی برای ناسیونالیسم منطقه‌ای گُرد درآید.

موضع عراق

قانون اساسی عراق پس از صدام خودگردانی اقتصادی و سیاسی منطقه‌ی کردستان را تثبیت کرد.

بغداد اگرچه با کردستان مستقل به شدت مخالف است، برای جلوگیری از چنین پیشامدی شاید اهرم‌های کافی در اختیار ندارد.

بغداد گرچه شاید نتواند ظهور گُردستان مستقل را متوقف کند، نحوه‌ی واکنش حکومت مرکزی به استقلال‌گُردها بستگی به این خواهد داشت که این استقلال چگونه به دست می‌آید. اعلام یک‌جانبه‌ی استقلال کردستان از میان سه سناریو، احتمالاً خصمانه‌ترین واکنش بغداد را برخواهد انگیخت.

جدایی تدریجی بین اربیل و بغداد اگر منجر به مذاکرات برای جدایی شود، بغداد می‌تواند بیشترین منافع ممکن را از استقلال‌گُردها به دست آورد و در عین حال تأثیر منفی از دست‌دادن منطقه‌ی کردنشین را کاهش دهد. استقلال‌گُردها از طریق توافق دوجانبه بین بغداد و اربیل بیشترین منافع ممکن را از میان سناریوهای بررسی‌شده برای هر دو طرف خواهد داشت.

موضع ترکیه

واقع موضع رسمی آنکارا حمایت از تمامیت ارضی عراق است، هم برای جلوگیری از بی‌ثباتی بیشتر و هم برای اطمینان از دستیابی مداوم به منابع نفت و گازی که در اختیار بغداد است.

ترکیه مخالفت دیرین خود با استقلال کردهای عراق را به دلایلی که از سیاست داخلی ترکیه، نیازهای انرژی، ضرورت‌های اقتصادی ترکیه، و بی‌ثباتی‌های سیاسی فزاینده در عراق و سوریه ناشی می‌شود، کنار گذاشته است.

ترکیه مخالفت دیرین خود با استقلال کردهای عراق را به دلایلی که از سیاست داخلی ترکیه، نیازهای انرژی، ضرورت‌های اقتصادی ترکیه، و بی‌ثباتی‌های سیاسی فزاینده در عراق و سوریه ناشی می‌شود، کنار گذاشته است. ترکیه در یک کردستان باثبات و خودمختارتر نفعی سراغ دارد. حکومت اقلیم اکنون بزرگ‌ترین بازار صادراتی ترکیه پس از آلمان و منبع فزاینده‌ی نفت برای اقتصاد ترکیه است. منطقه‌ی باثبات و پررونق کردستان عراق هم‌چنین می‌تواند به صورت وزنه‌ی تعادل در برابر ظهور یک ناحیه‌ی گردنشین خودمختار در سوریه عمل کند که ترکیه سخت با آن مخالف است.

سال‌ها سرمایه‌گذاری و تجارت ترکیه در کردستان عراق، اقلیم کردستان را به شریک اقتصادی مهمی تبدیل کرده است. در عین حال، رشد سریع اقتصادی ترکیه روی هم‌رفته ترکیه را واداشته است نفت و گاز بیشتری وارد کند و بخواهد که تهیه و تأمین انرژی را وسعت دهد. امکان دسترسی بیشتر به نفت و گاز کردستان عراق [۱] نیز (صرف‌نظر از امکان افزایش حق ترانزیت کالا) اربیل را به شریک انرژی ارزشمندی برای ترکیه تبدیل کرده است.

آنکارا استقلال کردستان را دیگر موجبی برای سقوط عراق و بنابراین نشانه‌ی خشونت و بی‌ثباتی در مرز خودش تلقی نخواهد کرد. ترکیه به حکومتی اکثرأً شیعه در بغداد اعتماد ندارد که علاوه بر این که سخت زیر نفوذ ایران است - نشان داده است قادر به شکست دادن داعش، حفظ امنیت، یا تسهیل صادرات انرژی نیست. آنکارا حکومت اقلیم کردستان را بسی بیش از بغداد قادر به حفظ ثبات در مرکز ترکیه می‌داند.

حکومت اقلیم کردستان به تدریج توان خود را برای عمل در مقام دولتی بالفعل (دو فاکتو) افزایش داده است و ترکیه این جریان (و آهنگ کند آن) را به طور مشابهی با افزایش تدریجی تماس‌های سیاسی، سرمایه‌گذاری و دادوستد تجاری، و خرید نفت ترغیب کرده است. آنکارا احتمالاً پذیرای آن دولت حاکم‌گردی خواهد بود که به تدریج به سوی استقلال حرکت کرده یا از سقوط دولت عراق در نتیجه‌ی کشمکش‌ها و خشونت داخلی مصون مانده باشد.

اقتصاد ترکیه با آهنگ سریعی رشد کرده و سالانه به طور متوسط ۵/۵٪ از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ توسعه داشته است و در نتیجه، نیازش به انرژی سریع‌تر از هر کشوری در جهان به جز چین افزایش یافته و سالانه ۶ تا ۸ درصد رشد داشته است. مصرف گاز طبیعی ترکیه از ۱۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۰ تا ۴۶ میلیارد مترمکعب یک دهه‌ی بعد، سه برابر شده است.

آنکارا شاید نخواهد امکان واردات نفت از جنوب عراق را با راه‌افتادن خط لوله‌ی جنوبی عراق - ترکیه از دست بدهد. جریان آرام و تدریجی کردها به سوی استقلال از دیدگاه ترکیه، دارای منافع سیاسی و اقتصادی بسیار است، حال آن که حرکت ناگهانی به سوی حاکمیت، ریسک‌های سیاسی و اقتصادی در بر خواهد داشت.

اقتصاد ترکیه بین ۲۰۰۱ و ۲۰۱۲ تقریباً چهار برابر شد و از ۲۰۰ میلیارد دلار سالانه به تقریباً ۸۰۰ میلیارد دلار رسید. ترکیه در سرتاسر این دوره‌ی ۳۰ ساله، کردستان عراق را مأمن جنگجویان پ.ک.ک می‌دانست، منشأ ناسیونالیسم کردی که می‌توانست شورش داخلی در ترکیه برانگیزد و در بدترین حالت، به کردهای ترکیه الهام دهد تا از ترکیه جدا شوند و به دولت جدایی طلب کرد که رهبران کرد عراق تشکیل می‌دادند بپیوندند. کردستان مستقل عراقی به سبب منابع طبیعی‌اش پررونق می‌بود و بسیاری از مقامات ترک می‌ترسیدند همین امر با فقر گسترده‌ی کردها در نواحی کردنشین ترکیه در تضاد قرار گیرد و آنها را به جدایی تحریک کند.

نگاه آنکارا به استقلال کردها در اواسط دهه‌ی ۲۰۰۰ به سرعت تغییر کرد.

تغییر عقیده‌ی آنکارا از تغییرات در سیاست‌های داخلی و خارجی او ناشی شد. به لحاظ داخلی، تصمیم دولت به حل و فصل کشمکش داخلی با پ.ک.ک، در کنار تصمیم پ.ک.ک به تعقیب حقوق سیاسی و فرهنگی بیشتر در چهارچوب نظام سیاسی ترکیه، تهدید ناسیونالیسم جدایی طلب از سوی شمال عراق را تعدیل کرد.

رهبران ترکیه گویی به این نتیجه رسیده‌اند که وجود شریکی فعال در مسیر اقلیم کردستان به سوی استقلال، آنکارا را قادر خواهد ساخت همسایه‌ی آینده‌ی خود را به نحوی شکل دهد و تحت نفوذ در آورد که در جهت پیشبرد منافع ترکیه باشد.

تعداد کمپانی‌های ترک ثبت شده در حکومت اقلیم کردستان بین سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ از ۴۸۵ واحد تا تقریباً ۱۵۰۰ واحد، سه برابر شد - رقمی که تقریباً سه پنجم همه‌ی کمپانی‌های خارجی در اقلیم کردستان را نشان می‌دهد. کمپانی‌های ترکیه در بخش‌های بسیار مهم اقتصاد کردستان شامل نفت و گاز، راه و ساختمان و بانکداری فعالیت دارند.

اقتصاد ترکیه با آهنگ سریعی رشد کرده و سالانه به طور متوسط ۵/۵٪ از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ توسعه داشته است و در نتیجه، نیازش به انرژی سریع‌تر از هر کشوری در جهان به جز چین افزایش یافته و سالانه ۶ تا ۸ درصد رشد داشته است. مصرف گاز طبیعی ترکیه از ۱۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۰ تا ۴۶ میلیارد مترمکعب یک دهه‌ی بعد، سه برابر شده

است. آنکارا برای حفظ رشد اقتصادی‌اش و تأمین الزامات انرژی خود می‌خواهد امنیت انرژی داشته باشد، در تهیه‌ی آن تنوع نشان دهد و خود را به صورت مرکز انرژی در میان کشورهای تولیدکننده‌ی انرژی در شرق و کشورهای مصرف‌کننده‌ی انرژی در غرب خود در آورد.

ترکیه سخت وابسته‌ی واردات نفت و گاز از روسیه و ایران است که هر دو از رژیم اسد در دمشق حمایت وسیعی می‌کنند. آنکارا شاید احساس می‌کند مجبور است حمایت خود را از رزمندگان ضدبشار اسد دریغ دارد تا دشمنی تأمین‌کنندگان انرژی‌اش را سبب نشود. ایجاد تنوع در تهیه‌ی منابع انرژی می‌تواند امنیت انرژی بیشتری فراهم سازد، هزینه‌ی انرژی را کاهش دهد و با کاهش دادن وابستگی ترکیه به روسیه و ایران، ترکیه را قادر سازد که در سوریه تهاجمی‌تر عمل کند. اگرچه ترکیه با هرگونه جدایی‌طلبی پان‌کردی مخالفت کرده است، به نظر می‌رسد نوعی ناسیونالیسم‌گردی را ترغیب (یا دست‌کم تحمل) می‌کند که در آن حکومت اقلیم کردستان قادر است برادران سوری خود را مورد حمایت و حفاظت قرار دهد. البته ترکیه به جای ترویج هویت کرد، اصولاً می‌خواهد اطمینان دهد که اگر شمال سوریه در واقع می‌خواهد منطقه‌ی نیمه مستقل کرد باشد، رهبرانش باید پیوندهای نزدیکی با دوستان آنکارا در اربیل، و ارتباطی هرچه کمتر با پ.ک.ک، داشته باشند.

تجارت بین ترکیه و حکومت اقلیم کردستان نیز درخشان است. وزیر خارجه ترکیه در نوامبر ۲۰۱۴ داود اوغلو اظهار داشت که دو سوم کل تجارت ترکیه با عراق - ۸ میلیارد دلار از ۱۲ میلیارد دلار - با حکومت اقلیم کردستان است.

رشد اقتصادی بهره‌مند از تسهیلات ترک، با ترغیب تجارت و سرمایه‌گذاری با حکومت اقلیم کردستان و به خصوص با ترویج صادرات نفت و گاز کردستان - آینده‌ی یک کردستان مستقل و به لحاظ اقتصادی پایدار را ارتقا داده است. با ترقی چشمگیر تولید سرانه‌ی ناخالص داخلی کردستان - افزایشی ده برابر (۱۰۰۰ درصد) از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۱ - کمپانی‌های ترک فرصت‌های فزاینده در کردستان عراق را پی گرفتند. قانون سرمایه‌گذاری ۲۰۰۶ حکومت اقلیم کردستان، سرمایه‌گذاری خارجی را ترغیب و به تدریج رشد سریع اقتصادی در اقلیم کردستان کمک کرد. کمپانی‌های خارجی - غالباً ترک - در چهار سال آتی، بیش از ۱۴ میلیارد دلار در اقلیم کردستان سرمایه‌گذاری می‌کنند. تعداد کمپانی‌های ترک ثبت شده در حکومت اقلیم کردستان بین سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ از ۴۸۵ واحد تا تقریباً ۱۵۰۰ واحد، سه برابر شد - رقمی که تقریباً سه پنجم همه‌ی کمپانی‌های خارجی در اقلیم کردستان را نشان می‌دهد. کمپانی‌های ترکیه در بخش‌های بسیار مهم اقتصاد کردستان شامل نفت و گاز، راه و ساختمان و بانکداری فعالیت دارند. تجارت بین ترکیه و حکومت اقلیم کردستان نیز درخشان است. وزیر خارجه ترکیه در نوامبر ۲۰۱۴ داود اوغلو اظهار داشت که دو سوم کل تجارت ترکیه با عراق - ۸ میلیارد دلار از ۱۲ میلیارد دلار - با حکومت اقلیم کردستان است. ترکیه از دغدغه‌های پیشین خود درباره‌ی استقلال کرد دست شسته است.

ترکیه اگرچه احتمال دارد از اعلام استقلال اقلیم در آینده حمایت کند، نحوه‌ی اعلام استقلال کردها می‌تواند در واکنش ترکیه و حدود حمایتش مؤثر باشد. آنکارا مشتاق است ثبات در جنوب و مرکز عراق را بهبود بخشد و رابطه‌اش با بغداد را حفظ کند (مادام که به هرج و مرج درنعلتد)، بنابراین نگران آن اقداماتی از سوی کردهاست که حکومت مرکزی را ناراحت کند.

یک دولتِ کُرد مستقل شاید ترکیه را قادر سازد که منافع خود را از طُرقی پیش برد که در وضع موجود ممکن نیست دست‌کم پیچیده‌تر است. در حال حاضر توانایی ترکیه به توسعه دادن زیرساخت‌های انرژی در اقلیم کردستان، امضای قراردادهای نفتی با اربیل، و تأمین کمک نظامی به پیشمرگه، از این نظر پیچیده شده است که چگونه باید نگرانی‌های بغداد رفع شود.

پس از استقلال کردستان، اربیل و بغداد دیگر بر سر تقسیم عواید یا مالکیت منابع هیدروکربن کلنجار نخواهند رفت. کردستان در مقام یک دولت حاکم قادر خواهد بود ادعای مالکیت کامل بر منابعی داشته باشد که در نواحی تحت تسلط وی قرار دارند و خواهد توانست آنها را توسعه دهد و قراردادهای صادراتی بدون مداخله‌ی بغداد امضا کند.

موضع ایران

رهبران در تهران به شدت ترجیح می‌دهند که کردهای عراق اعلام خودمختاری نکنند، واکنش آنان به چنین رخدادی متأثر از منافع اقتصادی و نیز متأثر از تمایل‌شان است به متوقف کردن رقبای ایران - یعنی ترکیه، آمریکا و اسرائیل - از این که زمام امور کشور جدیدی را که مرزی مشترک با ایران دارد، در دست گیرند.

ایران شاید از کردستان مستقل که می‌تواند جمعیت کُرد خودش را تهییج کند راضی نباشد، اما ایران نیز علقه‌های محکمی با حکومت اقلیم کردستان دارد و می‌تواند آن را متحد با ارزشی در برابر دولت اسلامی به شدت ضدشیعه بنگرد. این که ایران پیوندهای اقتصادی‌اش را با اقلیم کردستان، با وجود اعتراض شدید بغداد، افزایش داده است نشان می‌دهد که منافع مالی می‌تواند نهایتاً بر نگرانی ایران از ناسیونالیسم کُرد فائق آید. بنابراین در حالی که ایران ممکن است از استقلال کردها کاملاً راضی نباشد، ممکن است در واکنش خشن در برابر کردستان مستقل تردید کند.

کردها گروه یکدستی نیستند و تفاوت‌های مهمی از نظر مرزهای ملی و جوامع‌شان در درون هر کشور دارند. در حالی که کردهای ایران از ظهور یک کردستان مستقل در شمال عراق استقبال می‌کنند، حدود ارتباطی که با آن احساس خواهند

کرد احتمالاً متفاوت خواهد بود و به عوامل متعددی از وابستگی‌های قبیله‌ای، زبانی و دینی تا محل جغرافیایی‌شان در داخل ایران و ایدئولوژی سیاسی بستگی خواهد داشت. گرامیداشت گسترده و عمومی استقلال کرد در داخل ایران احتمالاً نگرانی تهران را برمی‌انگیزد و به شدت عمل در داخل و موضعی تهاجمی در مقابل دولت جدید کرد می‌انجامد.

این که ایران پیوندهای اقتصادی‌اش را با اقلیم کردستان، با وجود اعتراض شدید بغداد، افزایش داده است نشان می‌دهد که منافع مالی می‌تواند نهایتاً بر نگرانی ایران از ناسیونالیسم کرد فائق آید. بنابراین در حالی که ایران ممکن است از استقلال کردها کاملاً راضی نباشد، ممکن است در واکنش خشن در برابر کردستان مستقل تردید کند.

اگر استقلال کردستان رخ دهد، بهترین سناریو از نظر ایرانیان سناریویی است که در آن استقلال در پی مذاکرات با بغداد حاصل شود که به تهران وقت و زمینه‌ی سیاسی می‌دهد که سیاستی واقع‌بینانه اتخاذ کند که با دولت جدید همسایه سازگار باشد و همچنین گرایش کردهای ایران به دولتی جدید را به ویژه از طریق توسعه‌ی اقتصادی داخلی و اصلاحات سیاسی تعدیل کند.

اربیل اگر در پی استقلال کرد در شمال عراق، از حرکت‌های ناسیونالیستی پان‌کردی حمایت کند، ایران در هر سناریویی، واکنش تندی نشان خواهد داد.

انجام موفقیت‌آمیز مذاکرات هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۱+۵ می‌توانست دلالت‌هایی برای نگرش ایران بر مسأله کردها داشته باشد. ایرانی‌رها از تحریم‌ها آزاد خواهد بود که سرمایه‌گذاری در یک دولت جدید کرد را افزایش دهد. احتمالاً بر صنعت انرژی، همین‌طور بر احداث شبکه‌ی راه‌آهنی برای ادغام بیشتر دو اقتصاد متمرکز شود. توافق هسته‌ای در صورتی که ممکن نشود، محافظه‌کاران ایران احتمالاً موفق خواهند شد واقع‌بینان را در تهران به حاشیه برانند و شانس رسیدگی به شکایات و نیازهای کردان ایران را تقلیل دهند.

ایران از توسعه‌ی اقتصادی حکومت اقلیم کردستان بهره برده و تهران روابطش را با اربیل تقویت کرده است. تجارت سالانه رسمی بین ایران و کردستان عراق در حالی که در سال ۲۰۰۰، یکصد میلیون دلار ایستاده بود، تا سال ۲۰۱۵، به ۶ میلیارد دلار رسیده است.

واکنش کردهای ایرانی در کل، به دلایل فرهنگی نیز، با واکنش کردهای خارج از ایران تفاوت دارد. تحلیل‌گران اظهار می‌کنند که به دلیل مشابهت‌های فرهنگی بین کردها و فارس‌ها، کردهای ایرانی بیشتر خواهان این هستند که ضمیمه و دلبسته‌ی کشور خودشان باشند تا کردهایی که در عراق، سوریه و ترکیه زندگی می‌کنند.

بنابر گزارش رسانه‌های کرد ایرانی، از آوریل ۲۰۱۵، تعداد ۱۴۱ ساکن سقز، واقع در استان کردستان، به رزمندگان سلفی در عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان ملحق شده‌اند. برخی شهرهای ایران که به ویژه از آنها داوطلبانی به داعش پیوسته‌اند، عبارتند از سقز، کرمانشاه، روانسر، نرده، جوان‌رود و مهاباد. از آوریل ۲۰۱۵، بیش از ۴۰ کرد ایرانی در نبرد در

کنار داعش کشته شده‌اند. هم‌چنین در آوریل ۲۰۱۵، نیروهای اطلاعاتی سپاه پاسداران حدود ۳۰۰ ساکن کُرد سقز را که ادعا می‌کردند از جمله سلفی‌های رادیکال هستند، بازداشت کردند. در حالی که برخی از کسانی که دستگیر شدند در یک مسجد سلفی در شهر حضور داشتند، فعالان سیاسی کرده است.

ایران از توسعه‌ی اقتصادی حکومت اقلیم کردستان بهره برده و تهران روابطش را با اربیل تقویت کرده است. تجارت سالانه رسمی بین ایران و کردستان عراق در حالی که در سال ۲۰۰۰، یکصد میلیون دلار ایستاده بود، تا سال ۲۰۱۵، به ۶ میلیارد دلار رسیده است.

علاوه بر تجارت رسمی، اقتصاد بازار سیاه وسیعی وجود دارد که به ایران کمک می‌کند تحریم‌های بانکی را دور بزند. هر سال میلیاردها دلار کالا از اقلیم کردستان به ایران از جمله لوازم خانگی و الکترونیکی قاچاق می‌شود. در حالی که برخی از بازرگانان (و نیروهای امنیتی فاسد که گاردِ مرزی هستند) از این تجارت سود می‌برند، اکثر کُردهای ایرانی نفعی در آن ندارند.

[۱]. ترکیه و اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۳ موافقت کردند خط لوله‌ی جدیدی با ظرفیت صادراتی روزانه‌ی ۲ میلیون بشکه نفت و روزانه‌ی ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از منطقه‌ی کردستان به ترکیه احداث کنند.